

## گروه قیدی

گروه قیدی بخشی از جمله است که جمله یا جزئی از آن را مقید می‌کند یا توضیحی به آن می‌افزاید و برخلاف اجزای اصلی جمله می‌توان آن را حذف کرد. حسن برگشت.

دیروز حسن برگشت.

دیروز بعدازظهر حسن برگشت.

دیروز بعدازظهر حسن به کرمان برگشت.

دیروز بعدازظهر حسن از مشهد به کرمان برگشت.

خوش‌بختانه دیروز بعدازظهر حسن از مشهد به کرمان برگشت.

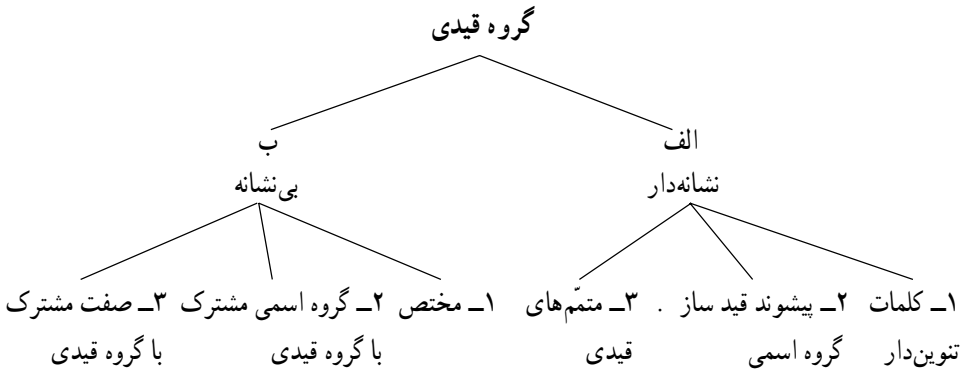
\* اگر تمام قیده‌های به کار رفته در آخرین جمله را حذف کنیم، باز هم به اصل جمله خللی وارد نمی‌شود. نشانه‌ی شناخت قید نیز همین نکته است.

بعضی گروه‌های قیدی به تمام جمله وابسته‌اند؛ یعنی، توضیحی به کلّ جمله می‌افزایند. برخی از آن‌ها نیز به جزئی از جمله وابسته‌اند؛ مثلاً؛ در جمله‌ی «امید خوب درس می‌خواند» قید خوب، وابسته‌ی فعل جمله است و به آن قید فعل می‌گوییم اما در جمله‌ی «امید خیلی خوب درس می‌خواند» قید خیلی وابسته‌ی خوب است و قید قید نام دارد. در جمله‌ی «خوشبختانه امید خیلی خوب درس می‌خواند» خوشبختانه وابسته‌ی کلّ جمله است و قید جمله نام دارد. در جمله‌ی «امید از راه بسیار دوری آمده است» قید «بسیار» وابسته‌ی «دوری» است و قید صفت نام دارد.

## فعالیت

چرا با حذف یا افزودن قید در اجزای اصلی جمله تغییری حاصل نمی‌شود؟ در این باره در کلاس گفت‌وگو کنید.

سال گذشته آموختیم که گروه‌های قیدی دارای اقسام زیر هستند :



اکنون هریک از گروه‌های قیدی را بیشتر بشناسیم.

### الف - قیدهای نشانه‌دار

۱- کلمات تنوین‌دار: هر واژه‌ای که در آخر آن تنوین بیاید، به گروه قیدی (قید مختص نشانه‌دار) تبدیل می‌شود. شمار زیادی از این واژه‌ها را می‌توان به شکل (پیشوند گروه اسمی) درآورد؛ از جمله:

اصلاً (= در اصل). احتراماً (= با احترام). باطناً (= در باطن). تدریجاً (= به تدریج).  
حقاً (= به حق). حقیقتاً (= در حقیقت). ظاهراً (= به ظاهر). ضمناً (= در ضمن). عملاً (= در عمل).  
غیباً (= در غیاب). قهراً (= به قهر). مثلاً (= در مثل). نسبتاً (= به نسبت).  
ندرتاً (= به ندرت).

۲- پیشوند قیدساز. گروه اسمی: این گروه واژه‌ها را باید از متمم‌های قیدی

بازشناخت. در این واژه‌ها جزء نخست، پیشوند است نه حرف اضافه و با گروه اسمی پس از خود یک واژه‌ی مشتق می‌سازد. به همین دلیل – چنان که دیدیم – بیشتر این نوع قیدها را می‌توان با گروه‌های قیدی تنوین‌دار یا قید ساده عوض کرد: **به ظاهر = ظاهراً، به دقت = دقیقاً، به خوبی = خوب، به سختی = سخت، به کندی = کند.**

زمان **به کندی** پیش می‌رفت = زمان **کند** پیش می‌رفت.

۳- **متمّم‌های قیدی = حرف اضافه . اسم / ضمیر:** به آن گروه اسمی که پس از حرف اضافه بیاید – اگر متمّم اجباری نباشد یعنی حذف آن ممکن باشد – گروه قیدی (متمّم قیدی) می‌گوییم.

### تفاوت متمّم‌های قیدی و متمّم‌های فعل:

پیش‌تر آموختیم که متمّم فعل را نمی‌توان از جمله حذف کرد؛ چون فعل به آن نیاز دارد. اما حذف متمّم قیدی (گروه قیدی) ممکن است؛ چون فعل به آن نیاز ندارد. **متمّم قیدی: آرش از کوه دماوند آمد.** با حذف متمّم قیدی جمله کامل است: **آرش آمد.**

**متمّم فعل:** آرش به کوه دماوند می‌نگریست. با حذف متمّم اجباری جمله ناقص می‌شود: آرش می‌نگریست.

### ب – قیدهای بی‌نشانه

۱- **قیدهای مختص:** واژه‌هایی هستند که همیشه قیدند؛ مثل ناگهان، سپس، بالأخره، هنوز، هرگز، البته، شاید، خیلی، چرا، آری، بلی.

۲- **گروه اسمی مشترک با گروه قیدی:** بعضی از واژه‌ها هم می‌توانند گروه اسمی باشند و نقش‌های اسم را بپذیرند و هم می‌توانند گروه قیدی قرار بگیرند؛ مثل: امروز، امشب، دیروز، شب، روز، صبح، فردا، تابستان، جمعه، عید نوروز، آن‌جا، هرجا، کجا؟  
منوجهری در شعرش **پاییز** را آن چنان نقّاشی کرده است که خواننده آن را به روشنی احساس می‌کند. (گروه اسمی = مفعول)

مدرسه‌ها **پاییز**، باز می‌شوند. (گروه قیدی)

۳- صفت مشترک با گروه قیدی: می دانیم که برخی از واژه‌ها هم می‌توانند صفت قرار گیرند و هم گروه قیدی. این گونه واژه‌ها وقتی وابسته‌ی اسم باشند، صفت اند؛ مثل: هوای خوب بهاری، اما وقتی با فعل در رابطه‌ی مستقیم باشند، گروه قیدی اند: علی **خوب** می‌دود.

### فرق گروه قیدی و مسند

به دو جمله‌ی زیر توجه کنید:

(الف) علی ساکت است.

(ب) علی ساکت نشسته است.

واژه‌ی **ساکت** را از کدام جمله می‌توان حذف کرد؟

می‌بینید که جمله‌ی الف پس از حذف **ساکت** بی‌معنا می‌شود؛ چون ساکت مسند جمله و از اجزای اصلی آن است ولی جمله‌ی ب حتی پس از حذف **ساکت** کامل است؛ چون **ساکت** در این جمله گروه قیدی است و حذف آن اشکالی ایجاد نمی‌کند.

### بیا موزیم

به این جمله دقت کنید:

در مسابقات علمی، مدرسه‌ی ما گاهی از مدرسه‌ی علامه می‌برد و

گاهی از آن می‌بازد.

به نظر شما، حرف اضافه‌ی «از» در جملات بالا درست

به کار رفته است؟ باید بگوییم و بنویسیم مدرسه‌ای از مدرسه‌ی دیگر

می برد اما به مدرسه‌ی دیگری بازد؛ بنا بر این، در نمونه‌ی بالا جمله‌ی دوم را باید این گونه اصلاح کرد: ... گاهی به آن می بازد.

مثال‌های دیگر: این بیماری هیچ فرقی از سرخک ندارد (غلط)؛

این بیماری هیچ فرقی با سرخک ندارد (صحیح). باید از دشمنان حذر

کرد و از دوستان امیدوار بود (غلط)؛ باید از دشمنان حذر کرد و به

دوستان امیدوار بود.

پس باید فعلی را که حرف اضافی خاصی دارد، با حرف

اضافی دیگر به کار نبریم. به این نمونه‌ها توجه کنید:

ترسیدن از ... افزودن به ... جنگیدن با ... کاستن از ...

پیوستن به ... گذاشتن از ...

برای هر یک از نمونه‌های بالا یک جمله بنویسید.

یادآوری: گاهی یک فعل ممکن است دو یا چند حرف

اضافی مخصوص داشته باشد. در این صورت، معنی فعل با هم

فرق می‌کند؛ مانند: آموختن از ... (یاد گرفتن، تعلم) آموختن

به ... (یاد دادن و تعلیم).

## خودآزمایی

۱) در نوشته‌ی زیر گروه‌های قیدی را پیدا کنید و نوع آن‌ها را بنویسید.

اخيراً نگرانی راجع به درست گفتن و درست نوشتن زبان فارسی افزایش یافته است و می‌گویند اگر این وضع ادامه یابد بیم آن می‌رود که روزی وسیله‌ی مشترک تفهیم و تفاهم ملت ما ضعیف و ناپود شود. انکار نمی‌توان کرد که نوشته‌های دقیق و درست و زیبا کم‌یاب‌اند و آنچه غالباً می‌خوانیم به زبانی است که گاه در فارسی بودن آن دچار تردید می‌شویم. بیگانگی جوانان ما با ادبیات و فرهنگ ایرانی روز به روز بیشتر می‌شود. شاید این درد به قول طبیبان نشانه‌ی بیماری عمومی باشد و شاید از بیماری پیکر اجتماع حکایت کند. ظاهراً بیمار نیازمند معاینه‌ای دقیق و کامل است. در کشورهای پیشرفته‌ی جهان هروقت چنین مشکلی پیش می‌آید، عدّه‌ای صاحب‌نظر مأمور می‌شوند تا با استفاده از تمام وسایل ممکن و با تحقیق تجربی دقیق و با مشورت افراد بصیر طیّ مدّت کافی گزارشی مفصّل تهیه کنند. این گزارش‌ها گاه به صورت کتابی درمی‌آید و فوراً چاپ می‌شود تا همگان بخوانند و راه‌حل‌های خود را ارائه کنند.

۲) هریک از واژه‌ها را در دو جمله طوری به کار ببرید که در جمله‌ی نخست، مسند و در جمله‌ی دیگر، گروه قیدی باشد.

خوش خط، یک شنبه، خندان، وحشت‌زده، چه‌طور

۳) جمله‌های زیر را ویرایش کنید.

□ من از شنیدن سخنان استاد بهره‌مند و مشتاق شدم.

□ باید از زشتی‌ها پرهیز و مبارزه کرد.

۴) با نمونه‌های زیر جمله بسازید.

می‌پرهیزم، بر خوردند، کاسته شد

۵) با استفاده از یادداشت‌هایی که برای خودآزمایی دوم درس قبل تهیه کرده‌اید، مقاله‌ای کوتاه

بنویسید.

## نظام دستوری زبان (ساخت واژه)

در سال پیش آموختیم که زبان‌شناسان، زبان را در سه سطح بررسی می‌کنند: واج‌شناسی، دستور زبان و روابط معنایی.

ضمناً خواندیم که سطح دستور زبان را نیز به دو بخش صرف و نحو تقسیم و هریک از آن دو را جداگانه بررسی می‌کنند. در این درس ما فقط به **بخش صرف** می‌پردازیم. در بخش صرف به مطالعه‌ی **ساختِ درونیِ واژه** می‌پردازند. به همین دلیل بخش صرف را **ساخت** واژه نیز می‌گویند.

واژه از **واحد‌هایی** تشکیل می‌شود که به آن‌ها **تکواژ** می‌گویند؛ مثلاً واژه‌ی «دانش‌آموز» از سه تکواژ «دان»، «س» و «آموز» درست شده است. **تکواژ، واحدِ معنی‌داری است که به واحدهای معنی‌دار کوچک‌تر بخش‌پذیر نباشد.**

تکواژها را بسته به این که به تنهایی به کار روند یا نه، به ترتیب به دو دسته‌ی **تکواژِ آزاد** و **تکواژِ وابسته** تقسیم می‌کنند. در مثال بالا دو تکواژ «دان» و «آموز» تکواژهای آزادند اما تکواژِ «س» تکواژی وابسته است. هر تکواژِ آزاد خود حکم یک کلمه را دارد.

هرگاه حداقل دو تکواژ آزاد و یک یا چند تکواژ وابسته با هم ترکیب شوند و کلمه‌ی یگانه‌ای بسازند، آن را **مشتق** — مرکب می‌گویند. مانند «پیش‌دانشگاهی» که از دو تکواژ آزاد «پیش» و «دان» و تکواژهای وابسته‌ی «س»، «گاه» و «ی» ساخته شده است.

تکواژهای وابسته را، بسته به این که پیش از تکواژِ آزاد یا بعد از تکواژِ آزاد یا بین دو تکواژِ آزاد بیایند، به ترتیب، به **پیشوند** و **پسونند** و **میانوند** تقسیم می‌کنند؛ مثلاً تکواژِ وابسته‌ی «نا» در «ناشناس» پیشوند است و تکواژِ وابسته‌ی «گر» در «کارگر» پسوند است و تکواژِ وابسته‌ی «ا» در «سراسر» میانوند است.

## فعالیت

ساخت واژه‌های «پایانه»، «یارانه»، «پژوهانه» و «فرشینه» را با معنی هر یک از آن‌ها بررسی کنید.

## بیا موزیم

به جمله‌های زیر دقت کنید :

الف) برادرت آمد. من آن را در کتابخانه دیدم.

ب) دو ستم برگشت چون تصمیم جدی آن ادامه‌ی تحصیل

بود.

به نظر شما، ضمیر «آن» در دو جمله‌ی بالا درست به کار رفته است؟

اگر پاسخ شما منفی است، کاربرد درست ضمیر را در جمله‌های بالا

توضیح دهید و جمله‌ها را باز نویسی کنید.

می‌دانیم که ضمیرهای «این» و «آن» جانشین اسم انسان

نمی‌شوند اما به عنوان صفت پیشین به همراه اسم می‌آیند؛ بنابراین، از دو



جملہ زیر کد ام بیک را درست می دانید ؟  
□ معلم را دیدم و به آن سلام کردم .  
□ کتاب را از این کتاب فروش خریده ام .

### خود آزمایی

- ۱- برای هر یک از «وندها» (پیشوند، پسوند، میان وند) دو مثال بنویسید.
- ۲- تفاوت «صرف» با «نحو» را با ذکر نمونه شرح دهید.